

الگوی نوآورانه امام سجاد علیه السلام در جهاد تبیین، در دوران خفقان و تقیه*

محمد میرزائی^۱

محمد جواد پیش نمازی رستم کلائی^۲

محمد ابراهیم روشن ضمیر^۳

چکیده

در شرایطی که جوامع اسلامی با جنگ‌های نرم مواجهند، بررسی الگوهای مقاومت نرم برای یافتن راهبردهای کارآمد، ضرورتی انکارناپذیر است. دوران امام سجاد علیه السلام شدیدترین دوره استبداد و جنگ ترکیبی امویان علیه اسلام اصیل بود. امتداد یافتن نهضت امام حسین علیه السلام پس از آن مبارزه سخت، نیازمند بهره‌گیری نوآورانه از فرصت‌ها بود. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی، به این سؤال پاسخ می‌دهد که امام سجاد علیه السلام در آن شرایط از چه الگویی برای جهاد تبیین بهره بردند؟ یافته‌ها نشان می‌دهد امام سجاد علیه السلام با انتقال مبارزه به عرصه نرم، از راهبردهایی چون «بازسازی مفاهیم دینی»، «کادرسازی پنهان» و «ارائه منشور حقوقی-اجتماعی» استفاده کردند. ایشان در حوزه ابزار نیز از کنش‌های فردی و عبادی، به ویژه دعا برای انتقال معارف بهره بردند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که الگوی جهاد تبیین امام سجاد علیه السلام در بستر راهبرد تقیه، مدلی هوشمندانه، آگاهانه،

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۰۷ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۷/۲۴ / مقاله پژوهشی

۱. دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران (نویسنده مسئول) / mirzaee@razavi.ac.ir

۲. دانشجوی مقطع دکتری رشته علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران / pishnamazij@gmail.com

۳. دانشیار گروه علوم قرآنی و حدیث دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران / Roshanzamir@razavi.ac.ir

احیاگرانه و مبتنی بر ترکیب خطرپذیری و احتیاط بود که توانست هسته تفکر شیعی و اسلام ناب را در یکی از سخت‌ترین بحران‌های تاریخی حفظ کند و زمینه را برای نهضت علمی امام باقر و امام صادق علیهما السلام فراهم آورد. این الگو می‌تواند یک نقشه راه عملی باشد برای کنشگران فرهنگی در مواجهه با چالش‌های مختلف امروزی.

کلید واژگان: نوآوری، تقیه، جهاد تبیین، امام سجاده علیه السلام، صحیفه سجادیه.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اهل بیت علیهم السلام وجود داشت (ابن ابی الحدید، ۱۹۶۲م، ۱۰۴/۴)، هر نوع تقابلی نظامی محکوم به شکست بود.

درست در چنین بن بست، امام سجاد علیه السلام نه تنها از فروپاشی کامل تفکر شیعی جلوگیری کردند، بلکه با بنیان نهادن یک الگوی مبارزاتی کاملاً نوآورانه، تهدیدها را به فرصت تبدیل نموده و زمینه را برای بزرگترین نهضت علمی تاریخ اسلام فراهم آوردند. حال مسئله اصلی این است که این الگوی منحصر به فرد چه بود، چه اوصافی داشت و امام علیه السلام چگونه توانستند با راهبردها و ابزارهای جدید، جهاد تبیین را در سخت ترین شرایط ممکن پیش ببرند؟

مطالعه سیره تبیینی امام سجاد علیه السلام از این جهت اهمیت دارد که می تواند الگویی الهام بخش را پیش روی ما قرار می دهد. همچنین بررسی این الگو در مواجهه با چالش های فرهنگی و سیاسی امروز راهگشاست. این مقاله در صدد است تا با تحلیل این الگوی نوآورانه، به سؤالات فوق پاسخ دهد.

پیشینه پژوهش

پژوهش های متعددی درباره سیره امام سجاد علیه السلام انجام شده که دسته ای از آنها مانند «حیة الامام زین العابدین» نوشته باقر شریف قرشی و «زندگانی علی بن الحسین علیه السلام» اثر سید جعفر شهیدی به شرح تفصیلی وقایع دوران ایشان پرداخته اند. دسته دوم به صورت مشخص تر بر ابعاد مبارزاتی و جهادی حیات آن حضرت تمرکز کرده اند؛ در این میان، کتاب «جهاد الامام السجاد علیه السلام» اثر سید محمد رضا حسینی جلالی، به صورت تخصصی تمام اقدامات امام را در چارچوب یک مبارزه پیوسته تحلیل می کند و کتاب «حماسه امام سجاد علیه السلام» برگرفته از بیانات آیت الله خامنه ای، بر جنبه فرهنگی این مبارزات تأکید دارد.

در سال‌های اخیر با مطرح شدن موضوع «جهاد تبیین» از سوی مقام معظم رهبری (حفظه‌الله)، مقالات متعددی در باره مفهوم، شرایط، مؤلفه‌ها، ویژگی‌ها و نتایج این جهاد تدوین و منتشر شده است. در این میان، برخی مقالات بدون این که از عنوان جهاد تبیین استفاده کنند، به بررسی ابعاد آن در سیره امام سجاد علیه السلام پرداخته‌اند. این مقالات عبارتند از: «نقش امام سجاد علیه السلام در رهبری شیعه پس از واقعه کربلا» (رنجبر، ۱۳۸۹، ۱۵۲)؛ «سبک آموزش دینی امام سجاد علیه السلام» (معینی پور، ۱۳۹۴)؛ «نقش امام سجاد علیه السلام در تحریف‌زدایی از سیره نبوی» (حسینیان مقدم، ۱۳۹۵)؛ «سیره علمی امام سجاد علیه السلام در برابر انحرافات فکری؛ بررسی موردی آسیب‌شناسی توحید» (محمودپور، ۱۳۹۷)؛ «مقابله با جنگ نرم مبتنی بر اندیشه سیاسی - اجتماعی امام سجاد علیه السلام» (حیدری نسب، ۱۳۹۷)؛ «گونه‌شناسی نقش امام سجاد علیه السلام در مدیریت بحران‌های سیاسی - اجتماعی» (عسکری وزیری، ۱۴۰۴).

محتوای این مقالات نشان می‌دهد که نویسندگان فرازهایی از زندگی سراسر جهاد امام سجاد علیه السلام را مورد بررسی قرار داده و در خلال آن‌ها اشاراتی به تلاش‌های روشنگرانه آن حضرت داشته‌اند.

چند مقاله نیز به طور ویژه، بررسی موضوع جهاد تبیین در زندگی آن امام همام را وجهه همت خود قرار داده‌اند. مانند مقاله «واکاوی شیوه‌های مقابله با نفوذ دشمن در جهاد تبیین مبتنی بر آموزه‌های صحیفه سجادیه» (مؤمن، ۱۴۰۲، ش ۹۵) که با تمرکز انحصاری بر صحیفه سجادیه، شیوه‌های جهاد تبیین را به دو دسته دفاعی و تهاجمی تقسیم می‌کند. نقطه قوت این پژوهش، تحلیل محتوایی صحیفه به عنوان یک منبع مبارزاتی است.

مقاله «امام سجاد علیه السلام نماد جهاد تبیین در صیانت از آرمان شهر نبوی صلی الله علیه و آله» (عطارزاده، ۱۳۹۹، ش ۱۰۱) نیز با بررسی مشی امام علیه السلام، نشان می‌دهد که چگونه اقدامات ایشان مانع



فراموشی آرمان‌های نبوی شد. نقطه قوت این اثر نیز، پیوند دادن جهاد تبیین امام با هدف کلان «صیانت از آرمان شهر نبوی» است.

با وجود این آثار ارزشمند، خلأ پژوهشی مشترکی که احساس می‌شد، فقدان نگاهی عمده‌تاً توصیفی و جزئی‌نگر است. به این معنی که این پژوهش‌ها اگر چه به برخی راهکارها و اهداف جهاد تبیین اشاره کرده‌اند، اما کمتر به روابط سیستمی میان راهبردها و ابزارها و چگونگی شکل‌گیری یک الگوی منسجم و نوآورانه با اوصاف و ویژگی‌های مشخص پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، خلأ اصلی، در عدم تحلیل این اقدامات به عنوان یک سیستم یکپارچه در پاسخ به یک جنگ ترکیبی پیچیده است. این مقاله در صدد است تا با تمرکز بر رفع این خلأ، الگویی منسجم را استخراج نموده و اوصاف آن را تحلیل و نوآوری‌های آن را تبیین نماید.

مفهوم‌شناسی

پیش از طرح موضوع تحلیل سیره امام سجاد علیه السلام و نیز برای ایجاد یک چهارچوب نظری روشن، تبیین دو کلیدواژه مبنایی این پژوهش یعنی «جهاد تبیین» و «الگوی نوآورانه» ضرورت دارد. این کار به خواننده کمک می‌کند تا با درک دقیق‌تری از این مفاهیم، تحلیل‌های ارائه شده را دنبال نماید.

جهاد تبیین

این مفهوم ترکیبی از دو واژه «جهاد» و «تبیین» است. «جهاد» در لغت از ریشه «جهد» به معنای مشقت و از «جهد» به معنای توان و وسع است (خلیل بن احمد، ۱۴۱۰ق، ۳۸۶/۳) و در اصطلاح اسلامی، به معنای تلاش بی‌وقفه در راه خدا و در مقابل دشمنان به کار می‌رود (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ۱۳۴/۳).

در مورد واژه «تبیین» نیز، ابن منظور کاربرد آن را در زبان عربی دارای دو وجه متضاد دانسته و معنای جدایی و وصل را بیان می‌دارد (ابن منظور، ۱۴۰۵ق، ۶۲/۱۳).

مصطفوی معنای حقیقی این واژه را انکشاف و وضوح پس از ابهام و اجمال به وسیله جداسازی و تفریق دانسته و بعد و دوری به صورت مطلق و همچنین ظهور و روشنی به صورت مطلق را از معنای این واژه نمی‌داند بلکه دو قید انکشاف و جداسازی را در کاربرد این واژه اثرگذار می‌داند (مصطفوی، ۱۴۱۷ق، ۳۶۶/۱).

آنچه در کاربرد این واژه در پژوهش حاضر مهم است همان معنایی است که مصطفوی بیان می‌کند. بنابراین این واژه هم انکشاف و روشنگری دارد و هم بین درست از نادرست و سره از ناسره و صحیح از غلط جدایی و تفرقه ایجاد می‌کند.

این اصطلاح در عصر حاضر بر یکی از گونه‌های جهاد دلالت دارد که عبارت است از کوشش و تلاش در جهت روشنگری، افشای حقایق، زدودن ابهام‌ها و تحریف‌هایی که از سوی دشمنان اسلام به وجود آمده و مسلمانان را نشانه گرفته است. گفتنی است که این ترکیب واژگانی و توسعه معنایی از جهاد، در سال‌های اخیر در سخنان مقام معظم رهبری توضیح و تبیین شده است (khamenei.ir/۱۴۰۰/۱۱/۳).

الگوی نوآورانه

واژه «الگو» که معادل آن در عربی «اسوه» است، به معنای سرمشق و نمونه‌ای است که از آن پیروی می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ۳۲۴۸/۱). در اصطلاح علوم اجتماعی، الگو، طرح یا مدلی از یک واقعیت است که ساختارهای بنیادی و روابط میان عناصر اصلی آن را به شکلی ساده‌تر و قابل فهم‌تر نشان می‌دهد. اگرچه یک الگو تمام جزئیات یک پدیده پیچیده را در بر نمی‌گیرد، اما این قابلیت را دارد که سازوکارهای اساسی آن را تبیین کرده و به عنوان نمونه‌ای قابل تکرار، مبنای عمل قرار گیرد.



در واقع مدل‌سازی به خصوص در ارتباط با جامعه و جهان اجتماعی اگر چه تمام جزئیات در روابط پیچیده را نشان نمی‌دهد اما ابزاری می‌شود که سازوکارهای اساسی یک واقعیت اجتماعی را نشان می‌دهد؛ برای مثال می‌توان ساختار روابط اجتماعی، ساختار خانوادگی و دیگر ابعاد جهان اجتماعی را الگوسازی نموده و روابط میان متغیرها و اعضای یک واقعیت اجتماعی را در قالبی کوچک‌تر نشان داد (آبرکرامی و همکاران، ۱۳۷۰، ۲۴۶).

در این پژوهش، مقصود از «الگو» یک مجموعه منسجم و یکپارچه از راهبردها و ابزارهاست که از طریق بررسی «سیره» یعنی روش و منش عملی امام معصوم علیه السلام استخراج شده است. صفت «نوآورانه» نیز بر این نکته تأکید دارد که این الگو، صرفاً تکرار روش‌های پیشین نبوده، بلکه با درک عمیق از تغییر شرایط (پس از واقعه عاشورا)، به ابداع یا بازتعریف راهکارهایی متناسب با آن دوران پرداخته است.

تبیین الگوی نوآورانه جهاد تبیین امام سجاد علیه السلام

«جهاد تبیین» به عنوان یک اصطلاح عملیاتی، مفهومی فراتر از تبلیغ صرف دارد. تبلیغ عمدتاً ناظر بر رساندن پیام است، اما جهاد تبیین در شرایطی ضرورت می‌یابد که جبهه دشمن با هدف تحریف حقایق و وارونه‌نمایی واقعیت‌ها، به جنگ نرم روی آورده باشد. مانند دوران امام سجاد علیه السلام که جریان حاکم اموی با سیاست‌هایی چون جعل حدیث، ترویج جبرگرایی و معرفی چهره‌ای واژگون از دین، به دنبال تخریب اسلام اصیل بود.

بنابراین ارکان اصلی جهاد تبیین که در سیره امام علیه السلام نیز مشهود است، عبارتند از:

زمان‌شناسی و درک شرایط بحرانی؛

جریان‌شناسی و شناخت دقیق دشمن؛

مسئله‌شناسی و اولویت‌بندی موضوعات مورد تهاجم؛

و به کارگیری روش‌ها و ابزارهای مؤثر برای روشنگری.

بر این اساس، مقصود از «جهاد تبیین» در این پژوهش، مجموعه اقدامات هوشمندانه و چند بعدی امام علیه السلام برای مقابله با جنگ نرم امویان و بازگرداندن جامعه به اسلام اصیل است.

تحلیل دقیق سیره امام سجاد علیه السلام نشان می‌دهد که جهاد تبیین ایشان، حرکتی سازمان یافته و مبتنی بر الگویی نوآورانه و چندبعدی بوده است. این الگو در پاسخ به جنگ ترکیبی (سخت و نرم) امویان طراحی شده و بر منطقی دو سطحی استوار بوده: نوآوری در سطح راهبرد و نوآوری در سطح ابزار.

امام سجاد علیه السلام با شناخت شرایط و قدرت دشمن، از درگیری مستقیم خودداری نموده و مبارزه را به عرصه فرهنگ و جامعه منتقل کردند. این تغییر الگو در مبارزه، خود بزرگترین نوآوری راهبردی ایشان بود. در ادامه اجزا و اقسام این الگوی نوآورانه به تفصیل تبیین و تحلیل می‌شود.

۱. نوآوری در سطح راهبرد: بازتعریف میدان نبرد

گفتیم که راهبردهای کلان امام سجاد علیه السلام پاسخی هوشمندانه به یکی از خلأهای بزرگ جامعه آن روز بود. این راهبردها را می‌توان در سه محور بنیادین دسته‌بندی کرد: تغییر عرصه مبارزه از میدان نظامی صرف به میدان جهاد تبیین، کادرسازی پنهان برای پر کردن خلأ ناشی از شهادت نخبگان شیعه و ارائه منشور جایگزین برای جامعه‌سازی در برابر الگوی اموی.

۲. جایگزینی تقابل نظامی با مبارزه گفتمانی و افشاگری

نخستین و حیاتی‌ترین تصمیم راهبردی امام علیه السلام، پرهیز کامل از قیام مسلحانه بود. در شرایطی که جامعه در شوک فاجعه کربلا و رعب حاصل از واقعه حره به سر



می‌برد و یاران واقعی انگشت‌شمار بودند، هرگونه حرکت نظامی، تکرار یک قیام خونین و بی‌نتیجه و به معنای خودکشی سیاسی و حذف کامل باقی‌ماندهٔ عترت بود. پاسخ ایشان به عباد بصری که با استناد به آیهٔ جهاد، امام را به دلیل ترک مبارزه و روی آوردن به حج سرزنش می‌کرد، گویای این درک عمیق است. آن‌جا که امام علیه السلام پس از تلاوت آیه و توصیف صفات مجاهدان واقعی فرمودند: «هر گاه ما افرادی را ببینیم که این صفات را واجد باشند، پس جهاد با آن‌ها از حج افضل خواهد بود» (طبرسی، ۱۳۸۶، ۴۳/۲). این پاسخ نشان می‌دهد که ترک جهاد نظامی، نه از روی ترس، بلکه به دلیل نبودن «شرایط» و «نیروی انسانی» لازم بود. اما این پرهیز، به معنای انفعال و سکوت نبود؛ بلکه نوعی «تغییر شکل مبارزه» بود. در واقع امام علیه السلام میدان نبرد را از عرصهٔ نظامی به عرصهٔ جهاد تبیین و «افشاگری» منتقل کردند. اوج این نوآوری در همان دوران اسارت، یعنی آسیب‌پذیرترین مقطع حیات ایشان، تجلی یافت. آن‌گاه که امام علیه السلام از تربیون رسمی دشمن در کوفه و شام، برای رسوا کردن ماهیت یزید و دستگاه اموی بهره بردند و در کوفه در حالی که در غل و زنجیر بودند، خطاب به مردمی که برایشان گریه می‌کردند، با صدایی رنجور فرمودند: «این‌ها برای ما گریه می‌کنند؟! اگر برای ما می‌گیرند پس چه کسی ما را کشت؟ (مفید، ۱۴۱۴ ق، ۳۲۱) این جمله کوتاه، به مثابهٔ یک زلزلهٔ روانی در وجدان خفتهٔ مردم کوفه بود و مسئولیت مستقیم آن‌ها را در فاجعهٔ کربلا به یادشان می‌آورد.

شاهکار این مرحله از جهاد تبیین، خطبهٔ تاریخی امام در مسجد جامع دمشق در حضور یزید بود. یزید با این هدف که امام علیه السلام را در چشم مردم شام تحقیر کند، به ایشان اجازهٔ سخن داد. اما امام علیه السلام این تهدید را به فرصتی بی‌نظیر برای جهاد از نوع تبیین تبدیل کردند. ایشان ابتدا با معرفی خود و بیان انتسابشان به خاندان وحی،

تبلیغات چندین ساله امویان را که در پی ناشناخته نگه داشتن اهل بیت علیهم السلام بودند، در هم شکستند:

«ای مردم من فرزند مکه و منی هستم، من فرزند زمزم و صفا هستم... من فرزند بهترین کسی هستم که حج به جای آورد... من فرزند کسی هستم که با براق به معراج رفت... من فرزند فاطمه زهرا، سیده زنان جهان هستم...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۳۹/۴۵-۱۳۷).

این جملات که هر کدام به یکی از فضایل اختصاصی پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام اشاره داشت، هویت واقعی امام علیه السلام را برای مردم شام که اسلام را تنها از طریق امویان شناخته بودند، آشکار ساخت. امام سپس با یادآوری فاجعه کربلا و توصیف شهادت پدرشان، افکار عمومی را به شدت برانگیختند به گونه‌ای که صدای گریه و اعتراض از میان جمعیت بلند شد و یزید برای جلوگیری از رسوایی بیشتر، مجبور به قطع سخنان امام علیه السلام شد. این کنش، نمونه بارز جهاد تبیین تمام عیار با تبدیل تهدید به فرصت بود که توانست در قلب حکومت دشمن، شکافی عمیق ایجاد کند.

۲.۱. کادرسازی و تربیت نیروی انسانی در خفا

دومین راهبرد کلان امام علیه السلام، حرکت آینده‌نگرانه و مبتنی بر ترمیم شکاف عمیقی بود که پس از شهادت امام حسین علیه السلام و بسیاری از شخصیت‌های برجسته بنی‌هاشم و یاران اهل بیت علیهم السلام در جامعه اسلامی به وجود آمده بود. امام علیه السلام با درک این واقعیت که بدون داشتن نیروی انسانی وفادار، آگاه و تربیت یافته، هیچ حرکتی به ثمر نخواهد نشست، یکی از هوشمندانه‌ترین و نوآورانه‌ترین برنامه‌های کادرسازی تاریخ اسلام را پایه‌ریزی کردند. از آنجا که ایجاد یک مدرسه یا حوزه علمیه رسمی در آن شرایط خفقانی ناممکن بود، امام علیه السلام راهکاری بدیع دیگری را برگزیدند؛ از جمله: خرید



گسترده بردگان و موالی و سپس تعلیم و تربیت و آزادسازی آنان (جعفریان، ۱۳۸۱، ۳۸۷).

این اقدام در ظاهر عملی اخلاقی و انسان‌دوستانه، اما در باطن برنامه‌ای پیچیده و تشکیلاتی بود. به این ترتیب بردگانی که وارد خانه امام علیه السلام می‌شدند، از نزدیک و به صورت عملی با علم، اخلاق، زهد و کرامت اهل بیت علیهم السلام آشنا می‌شدند. امام علیه السلام معارف اصیل اسلام، از تفسیر قرآن و حدیث گرفته تا احکام و اخلاق را به آنان می‌آموختند. در این میان، گنجینه دعاهای امام سجاد علیه السلام، نقش کتاب درسی و محتوای اصلی این دوره‌های آموزشی را ایفا می‌کرد که بردگان با شنیدن و تکرار این دعاها، عمیق‌ترین مفاهیم توحیدی، اخلاقی و سیاسی را در جان خود نهادینه می‌کردند. برای مثال، آنان با دعای «مکارم الاخلاق»، منشور یک زندگی شرافتمندانه را می‌آموختند و با تکرار مداوم صلوات در دعاها، جایگاه رفیع اهل بیت علیهم السلام را درک می‌کردند. سپس امام طبق سنت خود، در مناسبت‌هایی چون عید فطر، آنها را آزاد می‌کردند (امین، ۱۴۰۳، ق، ۶۳۴/۱). این بردگان آزاد شده که اکنون با معارف صحیفه عجین شده و از نظر فکری و معنوی کاملاً متحول شده بودند، به‌عنوان سفیران فرهنگ اصیل اسلامی و مبلغان مکتب اهل بیت علیهم السلام به شهرها و سرزمین‌های خود بازمی‌گشتند.

این راهبرد از چند جهت، نوآوری بود:

عدم حساسیت‌زایی: این فعالیت به دلیل ماهیت غیرسیاسی ظاهری‌اش، حساسیت دستگاه خلافت را برنمی‌انگیخت. این راهکار آنجا اهمیت می‌یابد که دریابیم اگر امام می‌خواست به طور رسمی یک مدرسه برای این کار ایجاد کند قطعاً حکومت اجازه نمی‌داد.

گسترش شبکه فرهنگی - تبلیغی: این راهبرد در وهله اول، یک شبکه گسترده و غیرمتمرکز فرهنگی را در سراسر جهان اسلام (از جمله ایران و عراق) به وجود آورد.

چرا که افراد آزادشده به‌مثابه سفیران و مبلغان مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام عمل می‌کردند. ارتباط عاطفی و معنوی بین حضرت و بردگان نیز باعث می‌شد آن‌ها بعد از آزادی، رابطه خود را با امام حفظ کنند و بدین ترتیب سپاهی (معنوی و فرهنگی) برای ایشان به شمار آیند. وظیفه اصلی این شبکه، انتشار نرم معارف و سیره اهل‌بیت علیهم‌السلام و جذب قلوب به سمت اسلام اصیل بود.

مقابله با سیاست نژادپرستانه اموی: این اقدام، پاسخی عملی به سیاست تحقیرآمیز امویان در قبال غیرعرب‌ها (موالی) بود که نشان می‌داد در مکتب اسلام، کرامت انسان به تقواست و نه نژاد. در واقع تمرکز امام علیه‌السلام بر تربیت بردگان و موالی (غیرعرب‌ها)، پاسخی عملی و هوشمندانه به سیاست تحقیرآمیز و نژادپرستانه بنی‌امیه بود. سیاست امویان بر برتری عرب بر غیر عرب و بهره‌مندی عرب از همه امتیازات اجتماعی و محروم کردن غیر عرب از تمامی آن امتیازات بود.

ایجاد پایگاه سیاسی - نظامی برای آینده: کارکرد این شبکه صرفاً فرهنگی نبود بلکه این کادرسازی در لایه‌ای عمیق‌تر، پایگاه انسانی لازم برای حرکت‌های سیاسی و قیام‌های آینده را نیز فراهم می‌کرد. این افراد که با مفهوم ظلم‌ستیزی در مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام آشنا شده بودند، پتانسیل تبدیل شدن به نیروهای مبارز را داشتند. اهمیت این بُعد از راهبرد زمانی آشکار می‌شود که بدانیم «بخش قابل توجهی از کسانی که در کنار زید بن علی (فرزند امام سجاد علیه‌السلام) قیام کردند از برده‌های آزاد شده آن حضرت بودند» (زیدی، ۱۴۰۳، ۷۲/۲-۷۰). بنابراین شبکه مطرح شده علاوه بر بُعد فرهنگی، خروجی سیاسی - نظامی مشخصی نیز در آینده داشت و هسته اصلی نیروهای مقاومتی را تشکیل می‌داد.



این روش، نمونه‌ای از یک حرکت پنهانی و سازمان‌یافته بود که در طول زمان، کمبود نیروی انسانی جبهه حق را جبران کرد و زمینه را برای نهضت علمی امام باقر و امام صادق علیهما السلام فراهم ساخت.

۲.۲. ارائه منشور جامعه‌سازی: نوآوری در رساله حقوق

سومین ضلع از راهبردهای کلان امام سجاد علیه السلام، ارائه یک جایگزین فکری و فرهنگی در برابر الگوی حکمرانی استبدادی و ضد انسانی امویان بود. در شرایطی که جامعه زیر چکمه‌های ظلم و بی‌قانونی حاکمان، کرامت انسانی را از یاد برده و روابط اجتماعی بر پایه زور و تزویر استوار بود، امام علیه السلام با تدوین و تبیین «رساله حقوق» منشوری کامل، مترقی و جامع برای جامعه‌سازی ارائه دادند. این رساله که به تبیین بیش از پنجاه حق بنیادین می‌پردازد، صرفاً یک متن اخلاقی فردی نیست، بلکه یک نظام‌نامه حقوقی و اجتماعی دقیق است که برای تمام سطوح روابط انسانی، از رابطه با خدا و خویش‌ن گزین گرفته تا روابط خانوادگی، اجتماعی و سیاسی، قانون و چهارچوب تعریف می‌کند.

نگارش و ترویج چنین متنی در آن عصر، یک کنش سیاسی - فرهنگی کاملاً نوآورانه و هدفمند بود. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی
این رساله از چند جهت، جهاد تبیینی امام علیه السلام را در یک سطح عمیق‌تر پیش می‌برد:

احیای کرامت انسانی: در حالی که حکومت اموی انسان‌ها را ابزاری برای رسیدن به قدرت می‌دید و با تحقیر و خشونت با آنان رفتار می‌کرد، رساله حقوق با محور قرار دادن «حق» برای هر فرد و هر عضو، کرامت ذاتی انسان را به او یادآوری نمود. تبیین «حق نفس»، «حق زبان»، «حق گوش»، «حق چشم» و سایر اعضا، به انسان

می‌آموخت که وجود او و تک‌تک اعضایش محترم بوده و در برابر آن‌ها مسئول است. این نگاه، دقیقاً نقطه‌ی مقابل فرهنگ بی‌ارزش‌سازی انسان از سوی دستگاه حاکم بود.

تیین مسئولیت‌های متقابل: رساله‌ی حقوق، نظامی مبتنی بر مسئولیت متقابل را ترسیم می‌کند. به این معنی که همان‌طور که برای «حاکم (سلطان)» حقوقی بر مردم قائل است، برای «مردم (رعیت)» نیز حقوقی بر حاکم قائل می‌شود. همچنین حقوقی برای «همسایه»، «شریک»، «معلم»، «شاگرد»، «همسر» و... تعریف می‌کند. این شبکه‌ی درهم‌تنیده از حقوق، به جامعه می‌آموزد که زندگی اجتماعی بر پایه‌ی تعهدات دوجانبه استوار است و نمی‌توان صرفاً به صورت یک‌طرفه از دیگران انتظار داشت. این تفکر، بنیان‌های یک جامعه‌ی مدنی سالم را پایه‌ریزی می‌کرد.

ارائه‌ی الگوی جایگزین: مهم‌ترین کارکرد این رساله، ارائه‌ی «الگوی جایگزین» برای حکمرانی و روابط اجتماعی بود. امام علیه السلام با این کار به صورت غیرمستقیم به جامعه نشان می‌دادند که اسلام اصیل، برای تمام شئون زندگی، برنامه و قانون دارد و آنچه به نام اسلام توسط بنی‌امیه اجرا می‌شود، انحرافی کامل از مسیر حق و عدالت است. در واقع رساله‌ی حقوق، منشور یک حکومت ایده‌آل اسلامی بود که در آن، حقوق تمام آحاد جامعه، از حاکم تا شهروند عادی، محترم شمرده می‌شود.

این رساله، تلاشی احیاگرانه برای بازسازی بنیان‌های فکری و اجتماعی یک جامعه‌ی فروپاشیده بود. امام علیه السلام با این کار، نه تنها به تبیین مفاهیم اسلامی پرداختند، بلکه نقشه‌ی راه ساختن یک «جامعه‌ی مطلوب» را نیز در اختیار پیروان خود و نسل‌های آینده قرار دادند.





۳. نوآوری در ابزار مبارزه: صحیفه سجادیه به مثابه سلاح جنگ نرم

راهبردهای امام سجاد علیه السلام در بازتعریف میدان نبرد، نیازمند ابزارهایی متناسب با این عرصه جدید بود. نوآوری شکفت‌انگیز امام علیه السلام در این عرصه آن بود که کنش‌های به ظاهر فردی، عبادی و روزمره را به ابزارهایی دقیق، چندوجهی و نافذ برای جهاد تبیین تبدیل نمودند. این ابزارها در کنار هم، یک سیستم مبارزاتی هوشمند و یکپارچه را تشکیل می‌دادند که در قلب آن، گنجینه بی‌بدیل «صحیفه سجادیه» به‌عنوان مرکز فرماندهی این جنگ نرم قرار داشت.

۳. ۱. دعا؛ سلاح راهبردی امام در مبارزه با نظام فاسد و خشن اموی

در شرایطی که هرگونه تجمع، تعلیم رسمی و بیان صریح عقاید به‌مثابه اعلان جنگ با حکومت و مستوجب سرکوب شدید بود، امام سجاد علیه السلام «دعا» را به‌عنوان امن‌ترین، عمیق‌ترین و ماندگارترین ابزار جهاد تبیین برگزیدند. دعا کنشی کاملاً شخصی و عبادی به نظر می‌رسید و دستگاه خلافت اموی، با تمام قدرت جاسوسی و سرکوب خود، توانایی سانسور یا ممنوعیت آن را نداشت؛ زیرا نمی‌توانست به نیت‌خوانی قلوب و کنترل رابطه انسان با خدایش پردازد.

امام علیه السلام از این «پوشش امن» برای تزریق گسترده، سیستماتیک و عمیق معارف اصیل اسلامی به رگ‌های جامعه بهره بردند. صحیفه سجادیه که به حق «زبور آل محمد» و «انجیل اهل بیت» نام گرفته، اوج این نوآوری راهبردی است (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۶۱/۱۰۷). این گنجینه صرفاً مجموعه‌ای از مناجات‌های فردی و طلب حاجت‌های شخصی نیست، بلکه دایرةالمعارفی کامل و بیانیه‌ای جامع در حوزه مسائل سیاسی، فرهنگی و اعتقادی است که در قالب دعا به تبیین موضوعات بنیادین زیر می‌پردازد:

۱. تبیین توحید ناب و مقابله با جبرگرایی: یکی از خطرناک‌ترین انحرافات فکری آن عصر، ترویج سیستماتیک «جبرگرایی» از سوی امویان برای توجیه ظلم و ستم و فساد خود بود (قائمی و رضوی، ۱۳۹۳، ۱۵۹). آن‌ها با القای این تفکر که همه چیز، از جمله حکومت غاصبانۀ آن‌ها، تقدیر محتوم الهی است، روحیۀ مسئولیت‌پذیری، اعتراض و مقاومت را در جامعه می‌کشتند. امام سجاد علیه السلام در سراسر صحیفۀ سجادیه با ترسیم تصویری عمیق از خداوند، هم به تبیین توحید ناب پرداختند و هم با جریان جبرگرایی مقابله کردند. در دعای نخست، خداوند چنین معرفی می‌شود که «چشم‌ها از دیدنش کوتاه و اوهام از وصف او عاجز است» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، دعای ۱) و در عین حال، آثار قدرت او در سراسر آفرینش آشکار است: «أَبْتَدَعَ بِقُدْرَتِهِ الْخَلْقَ أِبْتِدَاعًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، دعای ۱).

در دعای ششم نیز امام علیه السلام با یادکرد از نظم شب و روز و نقش انسان در انتخاب خیر و شر نشان می‌دهند که بندگان دارای اختیارند و مسئول رفتار خویش: «لِيَجْزِيَ الَّذِينَ أَسَأُوا بِمَا عَمِلُوا، وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَى» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، دعای ۶). امام تأکید می‌کنند که تکلیف الهی در حد وسع انسان است و هیچ‌کس در ترک مسئولیت معذور نیست: «وَلَمْ يَكْلَفْنَا إِلَّا وَسْعًا... وَلَمْ يَدْعُ لِأَحَدٍ مِّنَّا حُجَّةً وَلَا عُذْرًا» (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، دعای ۱).
 این آموزه‌ها بنیان فکری جبرگرایی را فرو می‌ریزند و اختیار انسان را در کنار ارادۀ مطلق خداوند تثبیت می‌کنند.

۲. تبیین، تثبیت و ترویج جایگاه سیاسی امامت و نبوت: یکی از کارکردهای سیاسی کلیدی صحیفۀ سجادیه، تثبیت جایگاه اهل‌بیت علیهم السلام در ذهن و قلب جامعه بود. امام علیه السلام با تکرار مداوم و هدفمند ذکر شریف «صلوات بر محمد و آل محمد» در آغاز و پایان بسیاری از دعاها، این مفهوم را به بخشی جدایی‌ناپذیر از آداب ارتباط با



خداوند تبدیل کردند. این صلوات، نوعی «اعلام موضع سیاسی» و نیز یادآوری دائمی و پنهانی حق جانشینی اهل بیت علیهم السلام در برابر غاصبان خلافت بود.

برای نمونه در دعای چهل و چهارم (دعای ورود به ماه رمضان)، امام علیه السلام به صورت ساختاری و هنرمندانه، تمام درخواست‌های کلیدی خود برای توفیق در اعمال نیک را میان دو صلوات قرار می‌دهند. این الگوی تکرارشونده، به مخاطب می‌آموزد که راه و روش صحیح درخواست از خداوند و تضمین برکت در تمام اعمال، با توسل و درود بر اهل بیت علیهم السلام گره خورده و صلوات، نه یک ذکر تشریفاتی، بلکه کلید استجاب دعا و قبولی طاعات است.

فراتر از آن، امام علیه السلام در ضمن دعاها به مفاهیم کلیدی امامت نیز به صورت مستقیم اشاره می‌کردند تا آن را برای جامعه تبیین نمایند. شاهکار این روش در دعای چهل و هفتم (دعای روز عرفه) تجلی یافته که امام علیه السلام پس از برشمردن صفات الهی و مقام انبیا، به جایگاه «امامان هدایت» اشاره کرده و از خداوند می‌خواهند که بر آنان درود فرستد: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَيْدَتَ دِينَكَ فِي كُلِّ أَوَانٍ يَا مَآمِمْ أَقَمْتَهُ عَلِمًا لِعِبَادِكَ...» خداوند، تو دینت را در هر زمان به امامی یاری کردی که او را نشانه‌ای برای بندگانت برپا داشتی... (صحیفه سجاده، ۱۳۷۸، دعای ۴۷). این دعا، یک دوره کامل امام‌شناسی است که به صورت غیرمستقیم، ویژگی‌های امام حق و تفاوت آن با حاکمان جور را برای مخاطب خاص خود تبیین می‌کند.

۳. ترسیم انسان کامل و ارائه الگوی اخلاقی: در برابر فساد، بی‌بندوباری و دنیازدگی که امویان ترویج می‌کردند، گنجینه دعاهای صحیفه سجاده یک نظام اخلاقی متعالی و نقشه راهی برای رسیدن به کمال انسانی ارائه می‌دهد. دعای بیستم، دعای مشهور «مکارم الاخلاق»، به تنهایی یک منشور کامل انسان‌سازی و جامعه‌سازی است. در این دعا، امام علیه السلام ابتدا از خداوند کمال در ایمان و نیت را طلب

می‌کنند: «اللَّهُمَّ... بَلِّغْ بِإِيمَانِي أَكْمَلَ الْإِيمَانِ، وَاجْعَلْ يَقِينِي أَفْضَلَ الْيَقِينِ، وَانْتَهَ بِنِيَّتِي إِلَى أَحْسَنِ النَّيَّاتِ»؛ خداوند!... ایمانم را به کامل‌ترین ایمان برسان و یقینم را برترین یقین قرار ده و نیتم را به بهترین نیت‌ها منتهی ساز (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، دعای ۲۰) سپس به فهرستی از فضایل فردی و اجتماعی اشاره می‌کنند که هر کدام پاسخی به یک رذیله شایع در آن عصر است. برای نمونه در برابر بدگمانی و دشمنی، می‌فرمایند: «وَ اَبْدِلْنِي مِنْ بَغْضَةِ اَهْلِ الشَّنَانِ الْمَحَبَّةَ، وَ مِنْ حَسَدِ اَهْلِ الْبَغْيِ الْمَوَدَّةَ، وَ مِنْ ظَنَّةِ اَهْلِ الصَّلَاحِ الثَّقَّةَ»؛ و به جای کینه بدخواهان، محبت؛ و به جای حسادت ستمگران، دوستی؛ و به جای بدگمانی نیکان، اعتماد به من ارزانی دار.

درخواست‌هایی چون پرهیز از تفاخر، ترک عیب‌جویی از دیگران، مقابله با ظلم و یاری مظلوم، همگی در این دعا به‌عنوان اهداف یک مؤمن واقعی تبیین شده‌اند. این دعا در عمل، جامعه را از الگوی «انسان اموی» (مبتنی بر قدرت و ثروت) به سوی الگوی «انسان الهی» (مبتنی بر اخلاق و معنویت) فرا می‌خواند. در حقیقت صحیفه سجادیه فقط مجموعه‌ای از دعاها نبود، بلکه ابزاری برای تربیت گروه‌های فکری و مبارزه با ظلم بود. این کتاب، ابزاری برای جهاد در دوران سکوت و بی‌سلاحی بود که توانست جامعه را دوباره به اسلام اصیل بازگرداند.

۲.۳. لعن و نفرین به‌مثابه ابزار مرزبندی سیاسی و اعلام موضع

در کنار زبان نرم و سازنده دعا، امام سجاده علیه السلام از ابزار قاطع «لعن و نفرین» نیز برای مرزبندی با جبهه باطل بهره می‌بردند. این رویکرد به صریح‌ترین شکل در گنجینه دعاهای صحیفه سجادیه تجلی یافته است. نمونه برجسته آن، در دعای چهل و هشتم (دعای روز عید فطر و جمعه) دیده می‌شود که امام علیه السلام پس از تبیین جایگاه رفیع امامت به صورت علنی و مستقیم، غاصبان این جایگاه را نفرین می‌کنند: «اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا





الْمَقَامَ لَخُلُفَاتِكَ... قَدْ ابْتَزَوْهَا... اللَّهُمَّ الْعِنُ أَعْدَاءَهُمْ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ، وَ مِنْ رَضِيَ بِفَعَالِهِمْ وَ أَشْيَاءِهِمْ وَ اتَّبَاعِهِمْ؛ خداوندا، این مقام از آن جانشینان توست... اما آن را به یغما بردند... خداوندا، دشمنان ایشان را از اولین و آخرین لعنت فرما و همچنین هر کس را که به کردار آنان راضی بود و نیز پیروانشان را (صحیفه سجادیه، ۱۳۷۸، دعای ۴۸).

این بیان آشکار، یک «اعلام موضع» سیاسی تمام عیار در برابر خلفای جور است. همچنین این رویکرد قاطع، در سیره عملی امام علیه السلام نیز جلوه گر بود. چنان که در ماجرای مشهور «ضمهر بن سمره» که حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله را به سخره گرفت، نفرین کوبنده امام که «خدایا... او را بگیر، گرفتی تأسف آور» منجر به مرگ ناگهانی او شد (راوندی، ۱۴۰۹، ق، ۵۸۷/۲-۵۸۶).

مهم ترین نمونه از این دست نفرین ها، نفرین «حرملة بن کاهل اسدی» بود آن گاه که امام علیه السلام از زنده بودن او آگاه شدند و با تمام وجود نفرین کردند: «اللَّهُمَّ أذِقْهُ حَرَّ الْحَدِيدِ، اللَّهُمَّ أذِقْهُ حَرَّ النَّارِ؛ خداوندا، حرارت آهن و آتش را به او بچشان (طوسی، ۱۴۱۴، ق، ۲۳۹-۲۳۸). بعدا استجابت دقیق این دعا در قیام مختار و به هلاکت رسیدن حرملة، علاوه بر اثبات حقانیت امام، حافظه تاریخی عاشورا را زنده نگه داشت و پیام قاطعی به دشمنان اهل بیت علیهم السلام ارسال کرد. بنابراین ابزار لعن و نفرین در سیره سجادی، یک ابزار احساسی و بی هدف نبود، بلکه یک کنش سیاسی-معنوی کاملاً حساب شده برای مرزبندی با دشمنان، تبیین حق و باطل و زنده نگه داشتن آرمان های نهضت حسینی بود.

۳.۳. تمجید و ستایش به‌مثابه تأیید تشکیلاتی و الگوسازی

این ابزار روی دیگر سکه «لعن و نفرین» و مکمل آن بود. همان‌طور که نفرین برای طرد و مرزبندی به کار می‌رفت، «تمجید و ستایش» نیز ابزاری دقیق برای تأیید، جهت‌دهی و الگوسازی برای نیروهای مؤمن بود. در شرایط تقیه‌آمیز که امام علیه السلام نمی‌توانستند به صورت مستقیم از یک حرکت سیاسی حمایت کنند، ستایش ایشان به منزله یک «چراغ سبز» و «تأییدیه تشکیلاتی» عمل می‌کرد.

دو نمونه برجسته این رویکرد عبارتند از:

نخست، ماجرای معروف قصیده «فرزدق» در برابر هشام بن عبدالملک؛ هنگامی که هشام در مکه از روی کینه، تظاهر به نشناختن امام سجاد علیه السلام کرد، فرزدق، شاعر بزرگ عرب، با شجاعت برخاست و قصیده‌غرای خود را در مدح امام علیه السلام سرود. این اقدام که خشم هشام را برانگیخت و به زندانی شدن فرزدق منجر شد، با حمایت قاطع امام علیه السلام روبرو گشت. ایشان با ارسال صله‌ای گران‌بها برای فرزدق، به صورت علنی از این کنشگر شجاع رسانه‌ای که در راه تبیین حق اهل بیت علیهم السلام خطر کرده بود، قدردانی نمودند (ابن کثیر، ۱۴۰۸ ق، ۱۲۶/۹-۱۲). این اقدام، یک حرکت سیاسی خطرپذیرانه و پیامی روشن به نخبگان جامعه برای حمایت از جبهه حق بود.

نمونه دوم برخورد هوشمندانه امام علیه السلام با «قیام مختار ثقفی» است. هنگامی که مختار سر عبیدالله بن زیاد و عمر سعد را به مدینه فرستاد، امام علیه السلام به سجده شکر رفته و فرمودند: «وَجَزَى اللَّهُ الْمُخْتَارَ خَيْرًا»؛ خداوند به مختار جزای خیر عطا کند (طوسی، ۱۴۰۴ ق، ۱/۳۴۱). این تمجید ضمنی، بدون آن که امام علیه السلام مسئولیت سیاسی قیام را بر عهده بگیرند، به پیروانشان جهت می‌داد و به هدف قیام (انتقام از قاتلان سیدالشهداء) مشروعیتی نسبی می‌بخشید.



۳. ۴. موعظه، هنر و مناسک عبادی به مثابه ابزارهای نفوذ نرم و تأثیر

عاطفی

در کنار ابزارهای دقیق و کدگذاری شده‌ای چون لعن و تمجید که بیشتر مخاطبان خاص و فضای سیاسی را هدف می‌گرفت، امام سجاد علیه السلام از ابزارهای فراگیر و عمومی‌تری چون «موعظه» و «هنر» برای نفوذ نرم در لایه‌های گسترده‌تر جامعه و ایجاد تأثیر عاطفی و ماندگار بهره می‌بردند. این ابزارها از آن جهت اهمیت داشتند که با حساسیت‌های سیاسی حاکمیت تداخل مستقیم کمتری داشته و به امام علیه السلام اجازه می‌دادند تا به‌عنوان یک مرجع معنوی و اخلاقی، با توده‌های مردم ارتباط برقرار کرده و پیام خود را منتقل کنند.

برخی از این نمونه‌ها عبارتند از:

۱. موعظه و نقد عالمان درباری: امام علیه السلام به‌عنوان نواده رسول خدا صلی الله علیه و آله و شخصیتی که در زهد و عبادت شهره آفاق بود، از جایگاه اجتماعی والایی برای پند و اندرز برخوردار بودند. از این رو حکومت اموی نمی‌توانست مانع این فعالیت به ظاهر غیرسیاسی شود.

امام علیه السلام از این ابزار برای تحقق دو هدف عمده استفاده می‌کردند: نخست، بازسازی اخلاق عمومی جامعه که بر اثر سیاست‌های ترویج فساد و دنیاگرایی امویان به شدت تخریب شده بود. در واقع مواعظ ایشان سرشار از مفاهیمی چون یاد مرگ، حسابرسی قیامت، پرهیز از دنیاطلبی و دعوت به زهد و تقوا بود. این اندرزها در ظاهر فردی و اخلاقی بود، اما در باطن، شالوده‌های ایدئولوژیک حکومت اموی را که بر پایه غفلت و لذت‌جویی استوار بود، سست می‌کرد.

دوم، نقد عالمان درباری و تبیین معیارهای عالم حقیقی. مواجهه ایشان با «حسن بصری»، واعظ مشهور آن دوران، نمونه‌ای درخشان از این رویکرد است. هنگامی که

امام علیه السلام او را در حال موعظه مردم دیدند، با چند پرسش ساده و عمیق، تناقض میان گفتار و عمل او را آشکار ساختند. امام از او پرسیدند: «آیا در سرانجام کار، از این حالی که بین خود و خدا داری راضی خواهی بود؟». حسن بصری که پاسخی جز «خیر» نداشت، به نقص خود اعتراف کرد. امام با این کنش، به مردم آموختند که صرفاً سخن زیبا معیار نیست، بلکه عمل و صداقت و اعظ اهمیت دارد و به این ترتیب، مرجعیت عالمان وابسته به حکومت را به چالش کشیدند (طبرسی، ۱۳۸۶، ۴۳/۲).

۲. بهره گیری از هنر: امام سجاد علیه السلام از ظرفیت‌های گوناگون «هنر» به عنوان یک ابزار تأثیرگذار و ماندگار برای جهاد تبیین غافل نبودند.

هنر کلام (فصاحت و بلاغت): زیبایی ادبی و ساختار هنری دعا‌های صحیفه سجادیه به حدی است که ادیبان بزرگ عرب در برابر آن اظهار عجز کرده‌اند. نقل شده که ادیبی از بصره پس از شنیدن وصف صحیفه، ادعا کرد می‌تواند مانند آن را بنویسد، اما پس از گرفتن قلم، آن قدر در بهت و فکر فرو رفت تا جان داد (مدنی شیرازی، ۱۴۱۵ ق، ۵۲/۱-۵۱). این ساختار هنری، صرفاً یک آرایه ادبی نبود، بلکه ابزاری برای نفوذ در اعماق جان مخاطب و ماندگار کردن مفاهیم در ذهن او بود.

شعر: امام علیه السلام از شعر به سه شیوه بهره می‌بردند: سرودن اشعار پندآموز، تمثیل به اشعار حکیمانه، و مهم‌تر از همه، تشویق شاعران متعهد. دستور ایشان به «بشیر بن جذلم» برای ورود به مدینه و اعلام خبر شهادت امام حسین علیه السلام با سرودن اشعار جانسوز، نمونه‌ای از درک عمیق ایشان از قدرت هنر شعر در برانگیختن عواطف عمومی و فضا‌سازی اجتماعی است (سید بن طاووس، ۱۴۱۷ ق، ۱۱۹-۱۱۵).

صوت زیبا: روایات متعددی بر صوت زیبا و دلنشین امام علیه السلام هنگام تلاوت قرآن تأکید دارند؛ صوتی که رهگذران، حتی سقاها را پشت در خانه ایشان می‌ایستاند تا به تلاوت قرآنشان گوش دهند. این صوت آنقدر دلنشین بود که گاه شنوندگان از



شدت تأثیر معنوی آن، از حال می‌رفتند (کلینی، ۱۳۶۳، ۶۱۶/۲). در واقع صوت امام، هم جاذبه‌ای معنوی و قدرتمند بود که قلوب را به سوی کلام وحی جلب می‌کرد و هم در عمل، یک جلسه تبلیغی و تبیینی غیرمستقیم و بسیار مؤثر بود.

۳. تبدیل مناسک عبادی به رسانه تبیین: یکی از نوآورانه‌ترین اقدامات امام علیه السلام، تبدیل مناسک دینی به فرصتی برای جهاد تبیین بود. ایشان از فرصت بی‌بدیل حج به عنوان یک «پلتفرم رسانه‌ای بین‌المللی» برای شکستن حصار تبلیغاتی امویان استفاده می‌کردند. خطبه‌ها، مناظرات و گفتگوهای ایشان با شخصیت‌های مختلف در ایام حج - که ماجرای قصیده «فرزدق» که پیشتر آمد، مشهورترین نمونه آن است - پیام امامت را به سراسر جهان اسلام منتقل می‌کرد.

اکنون برای نشان دادن انسجام و ارتباط میان راهبردها، ابزارها و ویژگی‌های الگوی جهاد تبیین امام سجاد علیه السلام، چهارچوب مفهومی زیر ارائه می‌شود:

راهبردها

(اقدامات کلان) ابزارها و شیوه‌ها

(شیوه‌های اجرا) ویژگی‌ها/ پیامدها

(برگرفته از بخش ۳ مقاله)

جایگزینی تقابل نظامی با مبارزه گفتگویی خطبه‌ها (کوفه و شام)، احتجاجات، افشاگری‌های علنی در اسارت آگاهانه و هوشمندانه (موقعیت‌شناسی)؛ ترکیب هوشمندانه خطرپذیری و تقیه (اوج خطرپذیری در خطبه شام)

کادرسازی پنهان و تربیت نیروی انسانی خرید، تعلیم و آزادسازی بردگان؛ استفاده از ادعیه صحیفه به عنوان متن آموزشی؛ ارتباط با یاران خاص

مخفیانه و تشکیلاتی؛ مؤمنانه و امیدوارانه (نگاه به آینده)؛ احیاگرانه (تربیت نسل جدید)

ارائه منشور جامعه‌سازی (آلترناتیو حکمرانی) رساله حقوق (متن حقوقی - اخلاقی)، آموزش حقوق متقابل فردی و اجتماعی احیاگرانه (احیای کرامت انسانی)؛ هوشمندانه (ارائه الگوی جایگزین در برابر الگوی اموی)

تثبیت جایگاه اهل بیت و مرجعیت امامت تکرار هدفمند صلوات در دعاها؛ تبیین جایگاه امامان در ادعیه (مانند دعای ۴۷ و ۴۸) ترکیب هوشمندانه خطرپذیری و تقیه (بیان حقایق سیاسی در پوشش دعا)؛ احیاگرانه (احیای سنت و جایگاه عترت) احیای مفاهیم توحید و مسئولیت انسانی صحیفه سجاده‌یه (به ویژه دعای ۱ و ۶) برای مقابله با جبرگرایی و اصلاح مبانی معرفتی احیاگرانه (بازگشت به توحید ناب)؛ روشمند (هدف قرار دادن انحرافات فکری خاص)

مرزبندی سیاسی قاطع با دشمنان لعن و نفرین در دعاها (مانند دعای ۴۸)، نفرین دشمنان خاص (حرمله و ضمیره) ترکیب هوشمندانه خطرپذیری و تقیه؛ آگاهانه (اعلام موضع سیاسی و زنده نگه داشتن حافظه عاشورا)

الگوسازی و تأیید تشکیلاتی تمجید، ارسال صلّه و حمایت از کنشگران همسو (فرزدق و مختار) مخفیانه و تشکیلاتی (جهت دهی غیرمستقیم به نخبگان)؛ ترکیب خطرپذیری و تقیه (حمایت از فرزدق در برابر خلیفه)

نفوذ نرم و عمومی در لایه‌های جامعه موعظه، بهره‌گیری از هنر (شعر، صوت خوش قرآن)، تبدیل مناسک عبادی (مانند حج) به رسانه هوشمندانه (استفاده از ابزارهای کم حساسیت)؛ احیاگرانه (اصلاح اخلاق عمومی)





۴. ویژگی‌های پنج‌گانه جهاد تبیین امام سجاد علیه السلام

مجموعه راهبردها و ابزارهای نوآورانه امام سجاد علیه السلام، در نهایت یک «الگوی مبارزاتی» منسجم و چندبعدی را شکل می‌دهد که می‌توان آن را با پنج ویژگی اصلی و درهم‌تنیده تبیین کرد.

این ویژگی‌ها، مختصات الگوی جهاد تبیین در شرایط خفقان و غلبه همه‌جانبه دشمن است:

۴. ۱. آگاهانه، هوشمندانه و مبتنی بر موقعیت‌شناسی

در سطح موقعیت‌شناسی، امام علیه السلام با درک کامل از شرایط جامعه پس از عاشورا، ضعف شدید جبهه حق و قدرت سرکوبگر دشمن، راهبرد اصلی خود را بر پرهیز از تقابل سخت و تمرکز بر جنگ نرم قرار دادند. اما در سطح لحظه‌شناسی، ایشان از هر فرصت پیش‌آمده‌ای برای ضربه زدن به مشروعیت دشمن و تبیین حقایق بهره می‌بردند. ایشان به خوبی می‌دانستند چه زمانی باید با کنایه سخن گفت (مانند نامه‌نگاری با عبدالملک در ماجرای شمشیر پیامبر) (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۶، ۳/۳۰۳-۳۰۲) و چه زمانی باید با صراحت کامل فریاد زد (مانند خطبه شام) (مجلسی، ۱۴۰۳، ق، ۱۳۹/۴۵-۱۳۷). این مدیریت آگاهانه مبارزه که مبتنی بر اصل «فهم تکلیف شرعی» در هر موقعیت بود، وجه تمایز اصلی الگوی ایشان است.

۴. ۲. مؤمنانه و امیدوارانه

ریشه تمام این تلاش‌ها، ایمانی عمیق به نصرت الهی و هدف معنوی بود. امام علیه السلام حتی در تاریک‌ترین شرایط که خود وضعیت اهل بیت علیهم السلام را به وضعیت بنی اسرائیل در میان فرعونیان تشبیه می‌کردند، هرگز امید به اصلاح جامعه را از دست ندادند. رسیدگی به امور صدها خانواده نیازمند در مدینه به صورت ناشناس، تلاش برای

حفظ عزت و استقلال اقتصادی مسلمانان در ماجرای ضرب سکه‌های اسلامی برای مقابله با تهدید حاکم روم و کادرسازی بلندمدت برای آینده، همگی نشانه نگاه مؤمنانه و امیدوارانه ایشان به حفظ کیان جامعه اسلامی و ساختن آینده‌ای بهتر بود (رنجبر، ۱۳۸۹، ۱۹۴-۱۹۳).

۴.۳. ترکیب هوشمندانه خطرپذیری و تقیه

الگوی سجادی، یک الگوی تک‌بعدی و صرفاً مبتنی بر احتیاط نبود، بلکه بر ترکیبی هوشمندانه و پیچیده از «تقیه» و «خطرپذیری» استوار بود. تقیه در مکتب امام سجاد علیه السلام، نه به معنای انفعال یا سکوت مطلق، بلکه یک راهبرد کلان و یک سپر دفاعی برای حفظ کیان شیعه و فراهم آوردن پوشش امن برای اجرای سایر برنامه‌ها بود.

امام علیه السلام در مواجهه با تله‌های سیاسی امویان، از این راهبرد برای خنثی‌سازی توطئه بهره می‌بردند. برای مثال هنگامی که فردی به قصد فتنه‌انگیزی از ایشان درباره جایگاه شیخین می‌پرسید، امام علیه السلام با پاسخی دوپهلوی و هوشمندانه، از افتادن در دام تفرقه اجتناب ورزیدند (ذهبی، ۱۴۱۳ ق، ۴/۳۹۵-۳۹۴).

اما این راهبرد تقیه، در نقاط عطف و مسائل بنیادین، جای خود را به خطرپذیری می‌داد. حمایت علنی از فرزدق در برابر هشام، مناظره با محمد حنفیه بر سر امامت (کلینی، ۱۳۶۳، ۱/۳۴۸) و پاسخ‌های قاطع به نامه‌های تهدیدآمیز عبدالملک مروان (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۳۴۴)، همگی اقداماتی بسیار پرخطر بودند.

این رویکرد دوگانه نشان می‌دهد که تقیه یک اصل روشمند برای انتخاب زمان و مکان مناسب برای ضربه زدن بود، نه عقب‌نشینی از اصول.



۴. ۴. مخفیانه و تشکیلاتی

بخش بزرگی از جهاد امام علیه السلام در لایه‌های پنهان جامعه و به صورت غیررسمی، اما سازمان‌یافته انجام می‌شد. کناره‌گیری ظاهری از مردم و سکونت در خارج از شهر در سال‌های نخست، پوششی برای فعالیت‌های پنهانی و دور ماندن از چشم جاسوسان حکومت بود. تربیت نیرو از طریق بردگان، ارتباط مستمر با یاران خاص و ویژه (حواریون) و ارسال پیام‌های کدگذاری‌شده از طریق لعن و تمجید، همگی نشان‌دهنده وجود «تشکیلاتی پنهان» و حرکتی سازمان‌یافته بود که با رازداری و کتمان، به دور از چشم دشمن فعالیت می‌کرد و جامعه شیعه را از درون بازسازی می‌نمود.

۴. ۵. احیاگرانه

هدف نهایی جهاد تبیین امام علیه السلام، صرفاً دفاع، بقا و حفظ وضع موجود نبود، بلکه هدفی والاتر و فعالانه یعنی «احیاگری» را دنبال می‌کرد. امام علیه السلام احیاگر چهار حقیقت بزرگ بودند:

احیای پیام نهضت عاشورا از طریق گریه مستمر، برپایی مجالس عزا و یادآوری دائمی ظلم یزیدیان.

احیای سنت نبوی در برابر بدعت‌های بی‌شمار امویان در احکام و اخلاق.

احیای مفاهیم اصیل اسلام از توحید و نبوت و امامت گرفته تا معاد که همگی به صورت عمیق در صحیفه سجاده تبیین شده‌اند.

احیای کرامت انسانی از طریق تدوین و ترویج رساله حقوق.

این جهاد تلاشی پیوسته برای زنده کردن جامعه اسلامی و بازگرداندن آن به مسیر

درست بود.

۴.۶. روشمند و مبتنی بر شیوه خاص

الگوی جهاد تبیین امام علیه السلام یک حرکت صرفاً ارزشی نبود، بلکه کاملاً روشمند و مبتنی بر فنون و شیوه‌های مؤثر بود. انتخاب دقیق «ابزار» متناسب با هر «هدف»، استفاده هوشمندانه از «فرصت‌ها» (مانند حج یا خطبه شام)، و به کارگیری رویکردی دوگانه و پیچیده از «تقیه و خطرپذیری»، همگی نشان می‌دهد که این الگو بر منطق و روشی مشخص استوار بوده است. این روشمندی، تفاوت اصلی میان یک حرکت احساسی و یک مبارزه راهبردی است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی، به استخراج و تبیین الگوی نوآورانه و چندلایه امام سجاد علیه السلام در جهاد تبیین در دوران خفقان و تقیه پرداخته است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که الگوی ایشان، یک سیستم یکپارچه و هوشمندانه برای مقابله با جنگ ترکیبی امویان بود. نوآوری محوری این الگو در انتقال عرصه مبارزه از تقابل سخت نظامی به جهاد تبیین نرم بود که با بهره‌گیری از راهبردها و ابزارهایی بدیع، اسلام اصیل را از تحریف و نابودی مصون داشت.

این تحقیق، با ارائه چهارچوب مفهومی منسجم که راهبردها، ابزارها و ویژگی‌های این الگو را به هم مرتبط می‌سازد، توانسته مقاله را از توصیف محض به ارائه یک مدل قابل ارجاع و عملیاتی ارتقا دهد که این خود از دستاوردهای مهم این پژوهش به شمار می‌رود.

راهبردهای کلیدی امام علیه السلام شامل «جایگزینی تقابل نظامی با مبارزه گفتگومانی»، «کادرسازی پنهان و تربیت نیروی انسانی» و «ارائه منشور جامعه‌سازی (رسالة حقوق)» بود. ایشان در حوزه ابزار نیز، هوشمندانه کنش‌های به ظاهر فردی و عبادی را به سلاح‌هایی نافذ تبدیل کردند؛ گنجینه بی‌بدیل «صحیفه سجادیه» نه فقط یک میراث



دعایی بود، بلکه به مثابه قرارگاه فرماندهی و منشور جامع این جنگ نرم عمل کرد و عمیق‌ترین معارف توحیدی، سیاسی و اخلاقی را در پوششی امن به نسل‌های آینده منتقل ساخت.

ابزارهایی چون لعن و نفرین، تمجید و ستایش، موعظه و بهره‌گیری از هنر و مناسک عبادی نیز به صورت هدفمند برای مرزبندی، الگوسازی و نفوذ نرم به کار گرفته شدند.

الگوی جهاد تبیین سجادی که در بستر راهبرد تقیه شکل گرفت، با ویژگی‌های پنج‌گانه آگاهی و هوشمندی، امیدواری مؤمنانه، ترکیب هوشمندانه خطرپذیری و احتیاط، حرکت پنهان و تشکیلاتی و هدف‌غایی احیاگری شناخته می‌شود. این ویژگی‌ها توانست هسته تفکر شیعی و اسلام ناب را از بحران نابودی پس از عاشورا نجات دهد و با تربیت شاگردان و تبیین مبانی، زمینه را برای شکوفایی نهضت عظیم علمی امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام فراهم آورد.

با توجه به آنچه بیان شد می‌توان برخی پیشنهادهاى پژوهشى را مطرح نمود که امید است راهگشای پژوهشگران عرصه امامت و ولایت قرار گیرد:

۱. بررسی تطبیقی شیوه‌های آموزش و نیروسازی در جهاد تبیینی امام سجاد علیه السلام با اقلیت‌های شیعی در مناطق مختلف جهان.
۲. بررسی کارآیی شیوه جهاد تبیینی امام سجاد علیه السلام در عصر حاضر.
۳. تحلیل کارکردی رساله حقوق امام سجاد علیه السلام به عنوان مبنایی برای تدوین منشورهای حقوق شهروندی اسلامی در جوامع امروز.
۴. بررسی روش شناختی بهره‌گیری امام سجاد علیه السلام از «هنر کلام و صوت» در تبیین معارف دینی و ارائه الگویی برای فعالیت‌های رسانه‌ای در فضای مجازی امروز.

منابع

۱. آبرکرامبی، نیکولاس و همکاران، **فرهنگ جامعه شناسی**، ترجمه حسن پویان، تهران، چاپخش، ۱۳۷۰ ش.
۲. ابن ابی الحدید، عبدالحمید بن هبة الله، **شرح نهج البلاغه**، ج ۴، مصر، دار احیاء الکتب العربیه، ۱۹۶۲ م.
۳. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، ج ۳، نجف اشرف، مطبعة الحیدریة، ۱۳۷۶ ق.
۴. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، **البدایة و النهایة**، ج ۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۸ ق.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
۶. امام زین العابدین (علیه السلام)، علی بن حسین، **صحیفه سجادیه**، ترجمه محسن غروی و عبدالجواد ابراهیمی فر، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۸ ش.
۷. امین، سید محسن، **اعیان الشیعه**، ج ۱، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۰۳ ق.
۸. جعفریان، رسول، **حیات سیاسی و فکری امامان شیعه**، قم، انصاریان، ۱۳۸۱ ش.
۹. حسینی جلالی، سید محمدرضا، **جهاد الإمام السجاد (علیه السلام)**، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۶ ش.
۱۰. حسینیان مقدم، حسین، «نقش امام سجاد (علیه السلام) در تحریف زدایی از سیره نبوی»، **پژوهش نامه تاریخی**، ش ۱، فروردین ۱۳۹۵ ش، صص ۷۲-۵۷.



۱۱. حیدری نسب، علیرضا، «مقابله با جنگ نرم مبتنی بر اندیشه سیاسی - اجتماعی امام سجاد (ع)»، **مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی**، ش ۱۶، پاییز ۱۳۹۷ ش، صص ۲۷۸-۲۵۱.
۱۲. خلیل بن احمد، **العین**، تحقیق مهدی فخرومی و ابراهیم سامرائی، ج ۳، قم، مؤسسه دارالهجره، چ ۲، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. دهخدا، علی اکبر، **لغت نامه**، زیر نظر محمد معین و سید جعفر شهیدی، ج ۱، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، چ ۳، ۱۳۷۷ ش.
۱۴. ذهبی، شمس‌الدین، **سیر اعلام النبلاء**، ج ۴، بیروت، مؤسسة الرسالة، چ ۹، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. راوندی، قطب‌الدین، **الخرائج و الجرائح**، ج ۲، قم، مؤسسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. رنجبر، محسن، **نقش امام سجاد (ع) در رهبری شیعه**، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ ۵، ۱۳۸۹ ش.
۱۷. زیدی، سید محمد خادم عباس، **سیره تبلیغی و تربیتی امام سجاد (ع) با رویکرد خاستگاه آن**، ج ۲، قم، میراث فرهنگیان، ۱۴۰۳ ش.
۱۸. سید بن طاووس، علی بن موسی، **اللهور فی قتلی الطوفوف**، قم، انوار الهدی، ۱۴۱۷ ق.
۱۹. طبرسی، احمد بن علی، **الاحتجاج**، ج ۲، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن، **اختیار معرفة الرجال (رجال الکشی)**، ج ۱، قم، مؤسسه آل‌ال‌بیت (عج) لاحیاء التراث، ۱۴۰۴ ق.
۲۱. طوسی، محمد بن حسن، **الامالی**، قم، مؤسسه بعثت، ۱۴۱۴ ق.

۲۲. عسکری‌وزیری، علی، «گونه‌شناسی نقش امام سجاد^{علیه السلام} در مدیریت بحران‌های سیاسی-اجتماعی»، مدیریت بحران و وضعیت‌های اضطراری، ش ۶۰، مرداد ۱۴۰۴ ش، صص ۱۶۹-۱۴۵.
۲۳. عطارزاده، مجتبی، «امام سجاد^{علیه السلام}؛ نماد جهاد تبیین در صیانت از آرمان‌شهر نبوی^{صلی الله علیه و آله}»، پژوهش‌نامه تاریخ تشیع، س ۴، ش ۱، مهر ۱۳۹۹ ش، صص ۱۱۱-۸۹.
۲۴. قائمی، سیدرضا و رضوی، رسول، «بررسی نقش طرفداران بنی امیه در ترویج نظریه جبر، تاریخ اسلام، س ۱۵، ش ۳، پاییز ۱۳۹۳ ش، صص ۱۹۱-۱۵۹.
۲۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۱، ۲ و ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۵، ۱۳۶۳ ش.
۲۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار، ج ۴۵ و ۱۰۷، بیروت، مؤسسه الوفاء، چ ۲، ۱۴۰۳ ق.
۲۷. محمودپور، علی، «سیره علمی امام سجاد^{علیه السلام} در برابر انحرافات فکری؛ بررسی موردی آسیب‌شناسی توحید»، سیره پژوهی اهل بیت^{علیهم السلام}، س ۵، ش ۷، تابستان ۱۳۹۷ ش، صص ۴۳-۲۵.
۲۸. مدنی شیرازی، سید علی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، ج ۱، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چ ۴، ۱۴۱۵ ق.
۲۹. مسعودی، علی بن الحسین، مروج الذهب و معادن الجواهر، ج ۳، قم، دارالهجره، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مؤسسه الطباعة والنشر وزارة الثقافة و الإرشاد الإسلامی، ۱۴۱۷ ق.



۳۱. معینی پور، محمدرضا، «سبک آموزش دینی امام سجاده علیه السلام»، **مطالعات اسلام و روانشناسی**، س ۹، ش ۱۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش، صص ۸۴-۱۰۱.
۳۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، **الامالی**، بیروت، دار المفید، ج ۲، ۱۴۱۴ق.
۳۳. مؤمن، سیده هانیه، «واکاوی شیوه‌های مقابله با نفوذ دشمن در جهاد تبیین مبتنی بر آموزه‌های صحیفه سجادیه»، **دعا پژوهی**، س ۳، ش ۴، شهریور ۱۴۰۲ ش، صص ۹۱-۱۰۶.
۳۴. یعقوبی، احمد بن اسحاق، **تاریخ الیعقوبی**، بیروت، دار صادر، بی تا.

